



عکس: اکو ایران



طرح نظام جدید ارزی از اواخر سال ۹۰ جدی و در سال ۹۱ محقق شد. این را هم بگوییم، آتیهایی که این بازار را حبابی می دانستند بیشتر از این حیث بود که معتقد بودند تقاضای غیرواقعی یا انتظاری به تقاضای بازار ارز اضافه شده است. عده‌ای هم که این نرخ را واقعی می دانستند بحث تورم و نقدینگی را مطرح می کردند

شرایط، لاجرم باید از ارز مرجع و ۱۲۲۶ تومانی عبور می کردیم، در نهایت نیز این اتفاق روی داد.

#### ● به چه ترتیبی؟

نرخ ارز مبنای بانک مرکزی ۱۲۲۶ تومان بود، یعنی سیستم بانکی با ارز ۱۲۲۶ تومانی کار می کرد. اما در بازار آزاد ارزها تا ۱۸۰۰ تومان معامله می شد. خب این مسأله یعنی اینکه هر کسی به ارز بانک مرکزی دسترسی پیدا می کرد به یک رانت بزرگ دست می یافت. از سال ۹۰ گمرک بسیار فعال شده بود و دیگر فقط مسئول ترخیص کالاها نبود. در گمرک گروهی تشکیل شده بود که مدام درباره پیامدهای تصمیمات دولت، عکس‌العمل آن در گمرک و تحولاتی که اتفاق می افتاد، گزارش تهیه می کرد. از سویی برای تأمین کالاهای اساسی کشور فشار وجود داشت و از طرف دیگر کالاهایی مانند شکر، دارو، گندم و... در صف بودند تا از کشور صادر شوند. به هر حال وقتی شما مواد اولیه دارو را با ارز ۱۲۲۶ تومانی به داروساز می دهید و بعد از آن شرکت داروسازی، این دارو را با ارز ۱۸۰۰ تومان صادر می کند قطعاً تجارت پرسودی اتفاق می افتد.

#### ● جلوی این کار را گرفتید؟

بعد از این بود که بحث اولویت بندی‌های صادراتی و وارداتی و نظام ارزی سخت تر مطرح شد. اینجا بود که ما باید طرح دیگری را مطرح می کردیم و هزینه‌هایش را نیز می پذیرفتیم.

#### ● درباره ارز مرجع توضیح دهید که چگونه دلار ۱۲۲۶ تومانی ارز مرجع کشور شد؟

سال ۹۰ که مقداری بین قیمت ارز دولتی و بازار آزاد فاصله زیاد شده بود، در اواخر پاییز یا اوایل زمستان همان سال جلسه‌ای تشکیل شد که در آن برخی معتقد بودند: «باید نرخ ارز را ثابت نگه داشته و با کمک دستگاه‌های نظارتی و امنیتی بازار ارز را کنترل کنیم.» شما می توانید حدس بزنید این نظر کدام طیف فکری است. اما برخی دیگر از جمله من معتقد بودیم، امکان چنین کاری وجود ندارد. چرا که بازار ارز در ایران بسیار غیرشفاف بوده و امکان نظارت دقیق بر آن وجود ندارد.

#### ● در واقع شما مدیریت پلیسی را قبول نداشتید؟

من همیشه مخالف این بوده و هستم که عده‌ای کنار خیابان‌ها ارز بفروشند. هیچ کجای دنیا نیز چنین مسأله‌ای وجود ندارد. مگر کسی در امریکا یا اروپا می تواند گوشه خیابان ارز بفروشد؟ این روش از مصادیق

### ارز ۱۲۲۶ تومانی از کجا آمد؟



#### بشر

من در آن جلسه صریحاً نظرم را اعلام کردم. در آن مقطع قیمت ارز به ۱۴۰۰ تومان رسیده بود. با گرفتن یک متوسط از نرخ‌های موجود، قیمت ارز توسط بانک مرکزی ۱۲۲۶ تومان اعلام شد. یادم هست وقتی در آن جلسه بحث‌ها در گرفت، آقای احمدی نژاد گفت: «ما کاری با نرخ ارز نداریم، این نرخ را بانک مرکزی تعیین کند، اما سیاست ما کنترل بازار ارز است.» نهایتاً دوستان در بانک مرکزی چنین تصمیمی گرفتند و نرخ را اعلام کردند، قبل آن هم، من و دیگران از نرخ اعلامی ارز مطلع نبودیم. اما باید پذیرفت که مسئول بازار ارز بانک مرکزی بوده و این موضوع در حوزه مسئولیت و تصمیم‌گیری بانک مرکزی بود. پیشنهادی که ما در وزارت امور اقتصادی و دارایی از سال ۱۳۹۰ مطرح و در سال ۱۳۹۱ هم دنبال کردیم این بود که یک بازار ارز جدید سازماندهی کنیم.

مرکزی بود. پیشنهادی که ما در وزارت امور اقتصادی و دارایی از سال ۱۳۹۰ مطرح و در سال ۱۳۹۱ هم دنبال کردیم این بود که یک بازار ارز جدید سازماندهی کنیم. گزینه‌های مختلفی مطرح بود. ما می دانستیم نظام ارزی کشور در بهترین و با ثبات‌ترین شرایط در قانون برنامه چهارم و پنجم که از کافی و توان مداخله توسط بانک مرکزی وجود داشت و مسائل و عوامل سیاسی خاصی نیز وجود نداشت، شناور مدیریت شده بود. بیشتر اعضای اقتصادی دولت معتقد بودند در شرایط تحریم، باید وجه مدیریت بر شناوری غلبه کند. چرا که توان دسترسی به ذخایرمان بعد از تحریم‌های جدید پایین آمده بوده و درآمدهای ارزی و نفتی دولت نیز براهتی وصول نمی شدند. یعنی حتی درآمد همان نفتی که در ماه‌های اولیه سال ۱۳۹۱ می فروختیم نیز براهتی وصول نمی شد. پس علاوه بر کاهش دسترسی به ذخایر ارزی‌مان در نقل و انتقال درآمدهای ارزی نیز مشکل وجود داشت.

البته برخی افراد خارج از دولت، از این مسائل برداشت سطحی داشتند، یادم می آید یکی از نامزدهای ریاست جمهوری در سال ۹۲ می گفت: «من این دلاریا را با کشتی و فانوتم به ایران خواهیم آورد.» یعنی کسانی در کار ما دخالت می کردند و نظر می دادند که تصویرشان این بود وقتی ما از نقل و انتقال ارز صحبت می کنیم این ارزش‌ها با کامیون و کشتی وارد کشور می شوند! در صورتی که نقل و انتقال به این معناست که این وجوه از بانکی به بانک دیگران هم در قالب ابزارها و شبکه‌هایی چون شبکه الکترونیکی منتقل شوند.

به هر حال ما ایده خودمان را مطرح کردیم، ایده وزارت اقتصاد این بود که بایسیم فکری برای بازار ارز بکنیم تا نیروی عرضه و تقاضا یکدیگر را پیدا کنند، سفته‌بازی به حداقل برسد و البته این مبادلات نیز قابل پایش و مدیریت باشند. لذا پیشنهاد کردیم معاملات گواهی ارزی در بورس راه‌اندازی شود.

علنی بازار غیررسمی و سیاه است. بنابراین من با جمع‌آوری بساط فروش ارز در کنار خیابان‌ها توسط نیروی انتظامی موافق بودم. حتی معتقد بودم: «مبادلات ارزی توسط صرافی‌های ما، باید خیلی جدی و منظم ثبت و ضبط شود و هیچ موقع این برخوردها را پلیسی نمی دانم. اما اینکه شما ارز را با قیمتی غیرواقعی و پایین‌تر عرضه کنید و بگویید: چه کسی، به چه کسی و چگونه و... بفروشد این امکان‌پذیر نیست. بالاخره با این روش، ارز تبدیل به یک کالا یا مال‌التجاره شده که خرید آن به نرخ رسمی و فروش آن به نرخ بازار بسیار سودآور است و هزینه اجرای آن بسیار بالاست. پیشنهاد من این بود که حتی اگر قرار است بانک مرکزی قیمت ارز در بازار آزاد را پایین بیاورد بایستی قیمت ارز را ابتدا بالاتر از قیمت بازار آزاد تعیین کند. برای مثال شما بادنکنی معلق را در یک اتاق در نظر بگیرید، اگر بخواهید این بادنکن را پایین بیاورید باید دست‌تان بخوبی به آن بادنکن برسد. اما اگر فقط نوک دستتان به زیر بادنکن بخورد، ممکن است حتی بادنکن مورد نظر شما بالاتر رفته و از دسترس شما دورتر شود. نظر من این است که نرخ اعلام شده، نرخ پایینی بود.

#### ● شما مخالف بودید؟

من در آن جلسه صریحاً نظرم را اعلام کردم. در آن مقطع قیمت ارز به ۱۴۰۰ تومان رسیده بود. با گرفتن یک متوسط از نرخ‌های موجود، قیمت ارز توسط بانک مرکزی ۱۲۲۶ تومان اعلام شد. یادم هست وقتی در آن جلسه بحث‌ها در گرفت، آقای احمدی نژاد گفت: «ما کاری با نرخ ارز نداریم، این نرخ را بانک مرکزی تعیین کند، اما سیاست ما کنترل بازار ارز است.» در نهایت دوستان در بانک مرکزی چنین تصمیمی گرفتند و نرخ را اعلام کردند، قبل آن هم، من و دیگران از نرخ اعلامی ارز مطلع نبودیم. اما باید پذیرفت که مسئول بازار ارز بانک مرکزی بوده و این موضوع در حوزه مسئولیت و تصمیم‌گیری بانک

سؤال می‌کنم تا پایان سال ۹۰ ذخایر ارزی کشور کاهش پیدا کرد یا افزایش؟

#### ● افزایش پیدا کرد.

نراز تجاری ما نیز مثبت‌تر شد و رشد صادرات غیرنفتی ما به مراتب بیشتر از رشد واردات بود. پس فئری که عده‌ای می‌گویند چگونه عمل کرد؟!

#### ● در ماه‌هایی که نرخ ارز مرتب در حال افزایش بود، سقفی برای آن در نظر گرفته بودید، آیا این امر علت خاصی داشت؟ احتمال می‌دادید این نرخ تا ۵-۶ هزار تومان افزایش یابد؟

من از روزهایی برایتان صحبت می‌کنم که چیزی به آغاز تابستان سال ۹۱ نمانده است. در نیمه دوم سال ۱۳۹۱ خوشبختانه برخی از بدبینی‌ها و اخبار غیرواقعی، بی‌اثر شد. به نظرم فراتر از دولت که با مشکلات درگیر بود، دیگران نیز واقف شده و به این جمع‌بندی رسیده بودند که نه تنها جام زهری در کار نبوده است، بلکه با این نوع رفتارها با دولت، نمی‌شود و نمی‌توان کشور را مدیریت کرد. برای همین، به نظرم برخلاف آنچه در سال ۹۰ فضای صحبت کردن فراهم نبود، یا خیلی‌ها با کنایه‌ها و حرف‌های خودشان دولت را تضعیف می‌کردند اما از تابستان سال ۹۱ فضا بهتر شد و از ما می‌خواستند که افراد و سطوح مختلف را درباره تبعات تحریم آگاه کنیم. اگر یادتان باشد من در سال ۹۱ بیشتر از گذشته درباره تحریم، ابعاد و آثار آن صحبت می‌کردم.

#### ● درآمدهای نفتی نصف شد؟

در فاصله تنظیم تا تصویب بودجه سال ۹۱، شرایط تغییرات زیادی کرد. تقریباً درآمدهای نفتی نصف شد. امروز بعد از گذشت چند سال

برای اولین بار است که به صراحت می‌گویم، در سال ۹۱ در یک چهارچوب کلی، یک بودجه سایه، تنظیم و اجرا کردیم که موفق نیز بود. همان زمان مقاله‌ای تحت عنوان «اقتصاد ایران همراه با تحریم» نوشتم و در آن با تحلیل بودجه ۹۱ به بخش‌های مالی و پولی، ارز و... پرداخته‌ام که توصیه می‌کنم به آن مراجعه کنید.

سال ۹۱ برای اقتصاد ایران یک سال خاص است. اگر دقت کنید هیچ کدام از گروه‌های سیاسی یا منتقدان دولت سابق روی شاخص‌های اقتصادی سال‌های ۸۹ و ۹۰ بحث و تحلیل نمی‌کنند و فقط بر سال ۹۱ تأکید و تمرکز دارند. در این سال‌ها که بزرگترین حملات از جنس جنگ اقتصادی یا تحریم اقتصادی بر اقتصاد ایران تحمیل شد، از نیمه سال ۹۰ شروع شد ولی در نیمه اول سال ۹۱ اوج گرفت. اتفاقی که در سال ۹۰ رخ داد این بود که وقتی گزارش‌های نفتی را دریافت می‌کردیم آمار درآمدهای نفتی و ارزی و به تبع آن منابع ریالی مان بسیار تکان دهنده بود و می‌دانستیم با این وضعیت طبعاً نمی‌توانیم مانند گذشته و براساس پیش‌بینی بودجه مصوب سال ۱۳۹۱ اقتصاد کشور را مدیریت کنیم و باید یک سری تصمیمات جدید اتخاذ کنیم. البته به میزان قابل توجهی فضای بیرون دولت نیز برای پذیرش حرف‌های ما آماده شده بود. البته از آنجا که در سال پایانی دولت دهم بودیم باید با تدبیر و ملاحظه خاصی این رفتار را انجام می‌دادیم. انتخابات ریاست جمهوری نزدیک بود و همه جریان‌های سیاسی به دنبال این بودند تا بهره‌برداری سیاسی خودشان را انجام دهند.

#### ● از چه زمانی قرار شد همه واقعیت‌ها به مردم گفته شود؟

از تابستان ۱۳۹۱، قرار شد مردم در جریان تبعات تحریم‌ها و فشارها قرار بگیرند.

#### ● چه کسی این قرار را گذاشت؟

این یک تصمیم کلی بود. ما در مقطعی جلساتی داشتیم که افرادی از نهادهای مختلف در آن حضور داشتند. از قوه قضائیه تا مقننه و از نیروهای مسلح تا صداوسیما و دیگران. خود آقای رئیس‌جمهور اداره این جلسات را برعهده داشت. سال ۱۳۹۱ سال بسیار دشواری بود. به طور مثال، سال ۱۳۹۱ بودجه عمومی کشور، ۱۴۴ هزار میلیارد تومان پیش‌بینی شده بود. اما وقتی برآوردها صورت گرفت، دیدیم شاید بیشتر از ۹۰ هزار میلیارد تومان منابع نداشته باشیم. من در گزارش خود در هفته دولت سال ۱۳۹۱، خدمت رهبر معظم انقلاب به مشکلات و دغدغه‌هایم در مورد نظام ارزی کشور، چندترخی بودن ارز و... اشاره و نسبت به کاهش ذخایرمان در صورت ادامه وضع موجود ابراز نگرانی کردم. اگر خاطرتان باشد آقای بهمنی طی مصاحبه‌ای اعلام کرده بود: «بزودی سوپرمارکت‌ها را نیز از ارز پر خواهیم کرد.» فکر می‌کنم وی شاید از نظر خودش می‌خواست جامعه را از نظر روانی تقویت کند. من معتقد بودم اگرچه برای دولت و خود من پذیرش این مسأله یعنی پذیرش افزایش نرخ ارز، هزینه سنگینی داشت اما با توجه به



### افراد را از تبعات تحریم آگاه کردیم



#### بشر

من از روزهایی برایتان صحبت می‌کنم که چیزی به آغاز تابستان سال ۹۱ نمانده است. در نیمه دوم سال ۱۳۹۱ خوشبختانه برخی از بدبینی‌ها و اخبار غیرواقعی، بی‌اثر شد. به نظرم فراتر از دولت که با مشکلات درگیر بود، دیگران نیز واقف شده و به این جمع‌بندی رسیده بودند که نه تنها جام زهری در کار نبوده است، بلکه با این نوع رفتارها با دولت، نمی‌شود و نمی‌توان کشور را مدیریت کرد. برای همین، به نظرم برخلاف آنچه در سال ۹۰ فضای صحبت کردن فراهم نبود، یا خیلی‌ها با کنایه‌ها و حرف‌های خودشان دولت را تضعیف می‌کردند اما از تابستان سال ۹۱ فضا بهتر شد و از ما می‌خواستند که افراد و سطوح مختلف را درباره تبعات تحریم آگاه کنیم.